

گزارش روز

پس از ۱۱سال با اجرای «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌بی» برگزار شد

گرامیداشت حمید سمندریان

● **گروه هنر:** اجرای نمایش «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌بی»، به کارگردانی احسان فلاح‌ت‌پیشه، جمعه‌شب چهاردهم دی‌ماه با گرامیداشت یاد و خاطره زنده‌یاد حمید سمندریان در تالار اصلی تئاتر شهر آغاز شد. احسان فلاح‌ت‌پیشه، کارگردان نمایش «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌بی»، در ابتدای این برنامه گفت: اضطراب همواره یگانه تضمینی بوده که در کنار یک کارگردان تئاتر قرار گرفته و من بر این باورم اگر نباشد یک جای کار خراب است. وی پس از بیان این صحبت‌های کوتاه، بخشی از متن زنده‌یاد حمید سمندریان (در سالروز تولدش) درباره ویژگی‌های دورنما را برای حاضران در مراسم قرائت کرد.

سیدمحمود حسینی‌زاد، داستان‌نویس و یکی از مترجمان شناخته‌شده آثار دورنمات، هم در این مراسم ضمن ارائه پیشینه‌ای از فعالیت‌های مختلف دورنمات در عرصه‌های مختلف نویسندگی توضیح داد: به اعتقاد من چیزی که باید از دورنمات یاد گرفت این است که وقتی یک کاری را شروع می‌کنیم همان کار را باید هر روز تکمیل‌تر از دیروز یاد بگیریم و در انجام آن تلاش کنیم.

وی افزود: جالب است بدانید، مجموعه‌ها و نهادهایی که در کشورهای مختلف اروپایی، به‌ویژه در آلمان آثار دورنمات را پیگیری می‌کنند خیلی خوشحالند که آثار این نویسنده در ایران با استقبال خوب مخاطبان مواجه شده است. ضمن اینکه آنها بسیار دوست دارند که بتوانند در ایران نیز کارهای مشارکتی زیادی با محوریت آثار دورنمات انجام دهند که متأسفانه تاکنون این اتفاق نیفتاده است.

محمد علیخانی، کارگردان و مدرس تئاتر، نیز در آیین افتتاحیه نمایش «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌بی» گفت: بسیار خوشحالم که به بهانه آغاز اجرای نمایش «می‌سی‌سی‌بی» در



تالار اصلی تئاتر شهر می‌توانیم یادی از استاد حمید سمندریان داشته باشیم که به‌واقع یکی از تأثیرگذارترین هنرمندان تئاتر ایران بوده و هست. من افتخار داشتم‌که باپایان‌نامه دوره‌های کارشناسی و کارشناسی‌ارشدم در رشته تئاتر مزین به نام استاد سمندریان‌است و خوب به خاطر دارم که این هنرمند بزرگ تئاتر همواره به دو نکته مهم تأکید می‌کرد که امیدوارم ما هم بتوانیم به آنها جامه عمل ببوشانیم. این کارگردان تئاتر بیان کرد: استاد سمندریان همواره به شاگردانش توصیه می‌کرد که چه در حوزه کارگردانی و چه در حوزه تدریس روی ایدئولوژی و خوانش جدید از متون نمایشی تمرکز روی زیادی داشته باشیم. وی همواره به این موضوع تأکید می‌کرد که یک کارگردان تأثیر باید روح و درون‌مایه یک اثر را بشناسد و ضمن تطبیق با شرایط اجتماعی آن را روی صحنه ببرد. نکته دیگری که ایشان بر ضرورت اجرائیش تأکید داشت، اجرای درون‌مایه یک اثر نمایشی است؛ اینکه یک کارگردان به‌اصطلاح ایشان باید به درون متن شیرجه بزند و هرچه عمق این شیرجه نیز عمیق‌تر باشد، لایه‌های عمیق‌تری از اندیشه یک متن نمایش به مخاطب ارائه می‌شود. اینها مسائل بسیار مهمی بود که من از استادم یاد گرفتم. نمایش «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌بی»، به نویسندگی فردریش دورنمات، کارگردانی احسان فلاح‌ت‌پیشه و بازی محمدصادق ملک، آرش فلاح‌ت‌پیشه، آرزو نبوت، محمدرضا مالکی، مهدی نصرتی، پریسا صنعت‌کار و سیدجواد حسینی هر روز ساعت ۱۹ با مدت‌زمان ۱۲۰ دقیقه به صحنه می‌رود.

نمایش «کالبدشکافی» در سایه

● **گروه هنر:** نمایش «کالبدشکافی ...»، به کارگردانی سامان ارسطو، اجرای خود را از ۱۹ دی در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر آغاز می‌کند. نمایش «کالبدشکافی مرد مرده که پایش از کفن بیرون ماند»، تازه‌ترین نمایش سامان ارسطو بعد از اجرای نمایش «خودکار بیکار» است که با طراحی، بازی و کارگردانی وی اجرای عمومی خود را از ۱۹ دی ساعت ۱۸ در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر آغاز می‌کند. بازیگران این نمایش (به ترتیب حروف الفبا) نادیا باوند، هدیه خانیان، حمیدرضا سنگیان، مانا خرفیانی، سیما شکری، ماهی عطیعی، مرتضی علیدادی، میثم غنی‌زاده، فرناز قبادی، امیرموید باوند و سامان ارسطو هستند. سامان ارسطو سال گذشته نمایش «همان به‌باش» که نیستی» را در جشنواره «فاندی ۲۰۱۷» روی صحنه کمپانی «شابونه» برلین برد و پس از دوا اجرا در کنار توماس اوستر مایر و رومنو کستلوجی با همان نمایش به لا نف پاریس دعوت شد. نمایش «خودکار بیکار» آخرین ساخته او به تهیه‌کنندگی آوای دیوانگان است.

شرق: جواد مجابی در نخستین نشست از مجموعه درسگفتارهایی درباره عبید زاکانی با عنوان «زمانه و زمینه عبید زاکانی» که در شهرکتاب برگزار می‌شود، از این طنزپرداز بزرگ ایرانی که با تلفیق میراث ایرانی و عربی طنز را رونق داده است، به عنوان نگین انگشتر طنز کشورمان یاد کرد. جواد مجابی، نویسنده و طنزپرداز قزوینی در این نشست گفت: بحث مفصلی درباره طنز ادبی ایران، در کتاب «تاریخ طنز ادبیی ایران» که بنده درباره طنز نوشته‌ام، مطرح شده است اما خلاصه‌ای از این قضایا این است که در طنز ادبی ایران نخستین کسی که از او شوخی به‌جای مانده، گوروش کبیر است. شوخی‌ای که دو هزارو ۵۰۰ سال از عمرش می‌گذرد و هنوز جالب است. آنچه از شوخی‌ها در دوره هخامنشی و بعدا در دوره ساسانی سراغ داریم و در کتاب‌ها نقل شده، دو عنصر جالب دارد. یکی اینکه بیشتر این شوخی‌ها خردورزانه است؛ همان‌طور که شعر و ادبیات ما خردورزانه بوده و دوم اینکه معتدل و کمتر تخریبی است. او افزود: به دلیل اینکه طنز ما در یک امپراتوری شکل گرفته بود، طبیعتاً شکل فرهنگی و خردورزی در آن بیشتر بود اما در قبال اعراب، طنز بیشتر حالت هجو داشت. وقتی اعراب به ایران آمدند و فرهنگ ما در یک امتزاج با فرهنگ اعراب قرار گرفت، این نوع شوخی‌ها و هجویه‌ها، به ادبیات ما وارد شد و بعد از دو، سه قرن، ترکیبی از طنز عصر ساسانی و طنز قبیله‌ای اعراب شکل گرفت که نخستین نشانه‌های آن را در دیوان شاعرانی چون رودکی می‌بینیم و در انوری به اوج می‌رسد. از قرن سوم تا ششم بیشتر هجو داریم و از قرن ششم اتفاقی می‌افتد. در این قرن، سنایی که پایه‌گذار غزل عاشقانه و عارفانه است و عرفا را از نثر به نظم می‌آورد، هجو و هزلی که در آغاز به آن می‌پرداخته، رشد می‌دهد و به هنر تعلیمی می‌کشاند. بنابراین پایه‌گذار طنز، به آن معنایی که امروز می‌شناسیم و در آن موقع هزل تعلیمی نامیده می‌شده، سنایی است. در واقع سنایی در قرن ششم گستره‌ای از طنز در «حقیقه‌الحقیقه» به وجود می‌آورد که تقریباً تا به‌حال هیچ هنرمند دیگر ایرانی نتوانسته به این وسعت به طنز نگاه کند.

مجابی در ادامه گفت: البته در دوره‌های بعد، افرادی چون عبید و دهخدا سعی کردند بخش‌هایی از آن را تعمق ببخشند ولی اصلاً آن گستره و وسعتی که کار سنایی دارد، در هیچ هنرمند دیگری دیده نشده است. عطار و مولوی در زمینه طنز اجتماعی نیز فعالیت کردند و آثاری را به جای گذاشتند. اتفاقی که بعد از مولوی می‌افتد، این است که سعدی دوباره طنز را از شعر به نثر می‌آورد و گلستان سعدی اثر طنزآمیزی است که از آثار درجه یک ما محسوب می‌شود؛ ولی به دلیل فصاحت ادبی سعدی، این طنز آن‌طور که باید، بین مردم رفته و در بین خواص محصور مانده است. به‌رحال طنز از قرن ششم و با سعدی شروع می‌شود و عبید شاکر در سعدی است. خودش در جاهایی اعتراض می‌کند که از او بسیار آموختم. بنابراین اگر سعدی نبود که طنز را از تازه‌تر با پیرامون، دست‌یافتنی می‌شد.

او تأثیرات را متمایز از سایر هنرها می‌کند و می‌گوید: «به باور من، از میان تمام انواع هنر، هنر تئاتر هنری است که در آن هنروری هم‌ارز با ارتباط برقرارکردنی جسمانی با جهان پیرامون است و لازم به اشاره است که از ابتدا این برجسته‌ترین مؤلفه‌ای از جهان نمایش بود که من را مفتون خود کرد، هنری که در آن بازیگر همواره در چالش ارتباطی است. ارتباط با خود، ارتباط با پارتنر، ارتباط با مخاطب و ارتباط با تمام جهان پیرامونش. وقتی در حوزه تئاتر، ارتباط جسمانی با جهان پیرامون را طلب می‌کنیم، تأکید اصلی بر بازیگری قرار خواهد گرفت که در جریان این ارتباط، جسمانیت خود را در راه برقراری ارتباط با جهان پیرامون به کار خواهد گرفت. بازیگری که اصلی‌ترین هدفش ارتباط فعال، دادوستد یا به عبارتی بهتر تبادل با جهان پیرامون است و به‌این‌ترتیب بازیگر کارترین مؤلفه در تئاترورزی خواهد بود؛ اما آگاهی سؤال‌هایی را درباره تئاترورزی مطرح می‌کند: «چگونه با جسمانیت تام به ارتباط با پیرامون و خلق رهیاهایی نو دامن بزнім؟».

«تئاتر چگونه باشد که ارتباطی زنده و فعال را هرچه تأثیرگذارتر رقم بزند؟»، «تئاتر چگونه باشد تا در بی ارائه رهیاهایی نو به جهان باعث تحول و ارتقای آن نیز بشود؟». در راه پاسخ به این سؤالات بومد که توسعه ظرفیت‌های فرهنگ نیاز به جهان پیرامون را برای توسعه ظرفیت‌های فرهنگ فعال در تئاترورزی برای بررنگ کرد، اما انکار که تئاترورزی برای توسعه ظرفیت‌های فرهنگ فعال در جهان پیرامون هم‌ارز پرداختن به سؤالات بالا شده بود. اگر فرهنگ را راهکارهای شایع موجه در یک جامعه بدانیم، برای رفع هرگونه نیاز واقعی یا غیرواقعی، می‌توان فرهنگ فعال را فرهنگی دانست که از طریق فعالیت افراد آن جامعه، توان بازیگری در خود را دارد و می‌تواند خود را ارتقا دهد و به‌این‌ترتیب، توسعه فرهنگ فعال خود را با تمام باورها و راهکارهای مفروض و خدشه‌ناپذیر در تعارض خواهد دید، خود را با ایدئولوژی که برساخته گفتمان هژمونیک است، در تعارض خواهد دید و در تلاش خواهد بود تا معناهایی جدید، امکاناتی تازه و رهیاهایی نو ایجاد کند.به‌این‌ترتیب سؤالاتی مانند آنچه گفته شد، دقیق‌تر شد و در این سؤال خلاصه شد که:

«پرداختن به تئاتر چگونه باشد که از طریق برقراری ارتباط جسمانی با جهان پیرامون به توسعه فرهنگ فعال برآورد؟». پرداختن به تئاتر چگونه باشد که از طریق برقراری ارتباط جسمانی با جهان پیرامون به توسعه فرهنگ

شعر به نثر بیاورد، پیداشدن عبید کمی دشوار بود؛ اگرچه عبید علاوهبر اینکه کاملاً به ادبیات ایران آشناست و یک نثرنویس فوق‌العاده است که می‌تواند هم‌تراز سعدی باشد. به دلیل اینکه نسب او به اعراب می‌رسد، به ادبیات عرب هم آگاه بوده است. بنابراین صراحت و سادگی نفوذ کلام را از آنها گرفته است. در واقع یکی از دلائل موفقیت عبید این است که سعی کرده درعین‌حالی‌که از میراث ادبی ایران استفاده می‌کند، از نوع بیان لطیفه‌های عربی هم استفاده کند؛ بنابراین میراث ایرانی و میراث عربی باعث رونق کار عبید شده است. این شاعر اظهار کرد: به گمان من عبید فقط یک شاعر طنزپرداز نیست. دقیقاً مثل سنایی یک حکیم، فیلسوف و انسان متفکر و خردورزی است که به وضعیت اجتماعی عصر خود اشراف دارد، مشکلات طبقات مختلف را می‌شناسد و موانع رشد تفکر در جامعه خودش را تشخیص می‌دهد. البته عبید دو نوع کار دارد؛ یک نوع کار در «رساله دلگشا» دارد که بخش اعظم آن لطیفه‌هایی است که از قبل گفته و نوشته شده بود و عبید آنها را ویراستاری ادبی کرده و به بهترین و خلاصه‌ترین شکل بیان کرده است اما آنچه در عبید بسیار اهمیت دارد، «اخلاق‌الاشراف» است که یک رساله فلسفی طنزآمیز است و با یک نگاه ناقدانه، به چندوچون جامعه عصر خود می‌پردازد. عبید در «اخلاق‌الاشراف» توانسته هم به نقد اخلاقیات عصر خویش بپردازد و هم درعین‌حال الگوهایی از روش و منش آدم‌های متفکر که به آینده نگاه دارند، مطرح کند که این بسیار اهمیت دارد.

او همچنین گفت: اگر طنز ادبی ایران را به مثابه یک انگشتر فرض کنیم، نگین این انگشتر عبید زاکانی است. این طرف حلقه، نیم‌دایره‌ای است که قبل از عبید قرار دارند و امثال کسانی چون سنایی، سوزنی، عطار، مولوی، سعدی و حافظ هستند. طرف دیگر نیم‌دایره‌ای است که بعد از عبید قرار دارند و کسانی چون جامی، یغما، ایرج، دهخدا، هدایت و... هستند؛ بنابراین عبید نگین

جواد مجابی در درسگفتارهای عبید زاکانی:

طنز ایرانی خردورزانه، معتدل و کمتر تخریبگر است



اصلی تفکر طنزآمیز ایران است. شوخی در ایران در طول تاریخ سه شاخه اصلی دارد و طنز، نقد خردورزانه و تردیدبرانگیزی نسبت به موقعیت اجتماعی و انسانی بشر است. طنز موقعیت بشری را محک می‌زند که این بنیادهای یک جامعه را متزلزل و جابه‌جا می‌کند. طنزپرداز هم یک منتقد اجتماعی، ولی نه به صورت جدی، بلکه با لحن شوخی است.

مجابی افزود: طنزپرداز سعی می‌کند مثل یک متفکر به حقیقت جهان برسد، ولی هیچ چیز را حقیقت نمی‌پندارد. بنابراین یک انقلاب مدامو ذهنی در ذهن یک طنزپرداز وجود دارد. همان‌طور که فرهنگ و زبان را مردم می‌سازند، شوخی را هم مردم می‌سازند، مردم صاحب اصلی زبان، فرهنگ، شوخی، جدی و فکر یک عصر هستند. روشنفکران می‌توانند آنها را متبلور کنند و شکل هنری، ادبی یا عاریه به آن بدهند. در واقع تمام شوخی‌هایی که در کار سنایی، عطار، مولوی، عبید و دیگران هست، شوخی‌هایی است که قبلاً مردم ساخته بودند، در جامعه صیقل خورده و به جای رسیدن که نظر هنرمند را جلب کرده‌اند. بنابراین بهترین شوخی‌هایی که در ادبیات فارسی داریم، شوخی‌هایی است که مردم ساخته‌اند نه شوخی‌هایی که ادبا ساخته‌اند.

تکمیل همایون: این همانی بین زمان عبید و ما
ناصر تکمیل‌همایون سخنران بعدی نشست نیز گفت: عباس اقبال بر کلیات عبید زاکانی مقدمه نوشته است. کاری که عباس اقبال کرده بسیار جالب است. اگر کسی می‌خواهد عبیدپژوهی انجام دهد، مقدمه عباس اقبال بسیار دقیق و کارآمد است. در آنجا شرح احوال زندگی، ریشه تاریخی و شرح نوشته‌های عبید را حسابی شکافته و به آن پرداخته است. در تاریخ ایران بعد از اسلام انواع حکومت‌ها به‌وجود آمدند. دوره عبید، دوره حکومت‌های ملوک‌الطوایفی است یعنی زیره‌حکومت‌هایی که در قزوین فراگرفت و بعد به شیراز و بغداد رفت و در ۷۲۲ قمری درگذشت. می‌شود. عبید اهل قزوین است و در این شکی نیست

اما به کرمان، شیراز و بغداد هم سفرهایی داشته و در آنجا هم زندگی کرده است. او افزود: وقتی برخی آثار عبید مثل موش‌وگریه را می‌خوانیم، انگار یک این‌همانی بین زمان عبید و زمان ما وجود دارد. عبید بسیاری از مسائل مثل ریاکاری‌هایی را که در آن دوره بوده، گفته و از بیان آنها ترسیده است. آثارش پر از بیان ریاکاری‌ها، دروغ‌گویی، پول‌دوستی و مقام‌پرستی است که نشان می‌دهد این مسائل در زمان عبید رواج داشته است. البته جامعه‌ما یک جامعه بسیار ضربه‌پذیر است بنابراین باید عبیده‌ها، با همان نقادای‌ک عبید دارد، در آن پیدا شود.

صدی: به این حکمت‌ها اشراف بیاییم

در ادامه این نشست، حجت‌اله صدی، مدیرعامل بانک صادرات، همکاری با شهر کتاب در این کار فرهنگی را وظیفه خود دانست و گفت: هرچند از زمانه عبید نزدیک به ۲۰۰ سال می‌گذرد، اما عجیب است که هنوز فکر می‌کنیم زمانه و زمینه عبید است؛ خیلی دور است و خیلی نزدیک. در زمانه عبید قبل از او، بعد از او و امروز، گویا سرنوشت همه ماست که در کشورمان به سبب اهمیت جغرافیایی، فرهنگی و ثروتی که دارد، همیشه مسائلی در زمینه تهدیدهای داخلی و خارجی داشته‌ایم. صدی گفت: طنز به این شکل بیش از عبید خیلی رونق نداشته است. درسگفتارهایی درباره عبید زاکانی اقدام بسیار خوبی است. این درسگفتارها امروز بیش از هر روز دیگری نیاز ماست تا از آن درس بگیریم و به این حکمت‌ها اشراف پیدا کنیم.

محمدخانی: موش‌وگریه در صدر بازنویسی‌ها

علی اصغر محمدخانی، معاون فرهنگی و بین‌الملل شهر کتاب، نیز از اهمیت و چرایی پرداختن به عبید زاکانی گفت. اظهار کرد: مرکز فرهنگی شهر کتاب پس از برگزاری درسگفتارهایی درباره مولوی، فردوسی، سعدی، حافظ، نظامی، خاقانی، عطار، ناصرخسرو، بیهقی، خواجوی کرمانی و سنایی، از روز چهارشنبه ۱۲ دی‌ماه سال‌جاری درسگفتارهایی را درباره عبید زاکانی برگزار می‌کند. موضوعاتی که در یک سال آینده، در درسگفتارهایی درباره عبید به آن پرداخته خواهد شد، درباره موقعیت عبیدپژوهی در ایران است. با بررسی آمار مؤسسه خانه کتاب، تاکنون ۱۵۸ اثر و در حدود ۵۱۸ هزار نسخه چاپ و منتشر شده است. ۶۷ اثر به بازنویسی و بازخوانی داستان‌ها و حکایات عبید اختصاص دارد که «موش‌وگریه» با بازنویسی ۳۹ بار و حدود ۱۲۰ هزار نسخه، بیش از همه، چاپ شده است. علاوه‌بر آثار خود عبید، ۲۰ اثر داریم که هرکدام کوتاه به آثار عبید پرداخته‌اند، اما متأسفانه پژوهش‌های عمیقی راجع‌به تحلیل آثار عبید نداریم. او افزود: عبید زاکانی یکی از گویندگان توانای ایران در قرن هشتم و بزرگ‌ترین طنزنویس و منتقد اجتماعی، سیاسی در تاریخ ادب فارسی است. از تاریخ تولد او اطلاع دقیقی در دست نیست. عبید مقدمات علوم را در قزوین فراگرفت و بعد به شیراز و بغداد رفت و در ۷۲۲ قمری درگذشت.

انضامی با فیزیک حاشیه‌ای هستند که ما با بیگانه‌شدن با آنها از طبیعت بشری دورافتاده و شاره‌ای را که به سرچشمه‌های اصالت بشری رهنمون‌مان می‌سازد، مسدود کرده‌ایم». و همچنین عنوان می‌کند: «غریزه دوست‌دوستی واقعی‌اند و بدون موزیکالیته وجود ندارند». با تأکید بر این نکته که «موزیکالیته اصطلاحی است در گستره زیباشناسی که دلالت‌های ضمنی و تاریخی را در بردارد و به‌گونه‌ای، سیستم نت‌نویسی نیز در آن ذخیل است». در رویکرد جست‌وجوگر استانیفسکی، هرکجا غریزه به جریان افتد یا شهودی صورت گیرد، موزیکالیته را در آنجا یا در آن پدیده می‌توان جست‌وجو کرد. با اتکا به چنین نظریه‌ای که برای گروه تئاتر بین‌الملام‌بخش و دوست‌داشتنی می‌نمود و همچنین با اتکا به بررسی نیازها و ویژگی‌های جهان معاصر، غریزه و شهود، مؤلفه‌هایی مفقود از ارتباط انسان معاصر با جهان پیرامونش شمرده شدند و با تکیه بر توضیحاتی که راجع به توسعه فرهنگ فعال ارائه شد، دوباره حیات بخشیدن به غریزه و شهود یا به عبارت بهتر جست‌وجو برای کیفیت موزیکالیته و پررنگ‌کردن در جهان معاصر، گامی است در راه توسعه فرهنگ فعال در جهان پیرامون.

او از این نظریات در راستای آرای گروه تئاتری خودش نتیجه می‌گیرد که: «به‌این‌ترتیب ما، گروه تئاتر بین، در جریان تئاترورزی مطلوبمان، برایمان جذاب و ضروری نمود و البته همچنان نیز همان است که با جسمانیت خود به ملاقات جهان پیرامون برویم، با او در ارتباط قرار بگیریم، از رویدادهایی به‌واسطه غریزه و شهودمان دچار الهام شویم، در راه توسعه فرهنگ فعال، کیفیت موزیکالیته را در آنها جست‌وجو کنیم و آنگاه با استفاده از دستاوردهای این‌چنین ارتباطی، اشعاری جسمانی/تئاتری را برسانیم و در نهایت، آن شعر صحنه‌ای برساخته و دیگر دستاوردهای حاصل از جست‌وجو را به دیگران ارائه دهیم؛ بازم در راه توسعه فرهنگ فعال.در این مسیر، انسان تئاترورزا همان بازیگر/اجراگر، مؤلفه اصلی چنین تئاترورزیدنی محسوب خواهد شد، همچنان که پیش‌تر ذکر نیز شد.پرواضح است که هر ملاقات یا برقرارکردن هر ارتباطی به شرطی با کیفیت مطلوب انجام خواهد شد که برای آن ملاقات برنامه‌ریزی لازم انجام شده باشد، آمادگی کافی کسب شده باشد و مشخص باشد که چرا، چگونه، کجا و با چه شخص یا اشخاصی انجام خواهد شد.پس در پاسخ به این سؤال که «پرداختن به تئاتر چگونه باشد که از طریق ارتباط جسمانی با جهان پیرامون به توسعه فرهنگ فعال بپردازد؟»، ما، گروه تئاتر بین، می‌توانیم این‌گونه پاسخ دهیم که «در تئاترورزی‌مان بازیگر مؤلفه اصلی و جست‌وجو برای کیفیت موزیکالیته در جهان بیرونی با استفاده از دستاوردهای امکانات نمایشی و با مد نظر قراردادن و تبادل با شرایط پیرامون هدف اصلی است تا از طریق این‌گونه ارتباط جسمانی برقرارکردن با جهان پیرامون به توسعه فرهنگ فعال دامن بزینم».

لازم به ذکر است که این پاسخ به چگونگی تئاترورزیدن، از منظر نظریه گفتمان، نوعی بدیل‌سازی در مواجهه با گفتمان هژمونیک خواهد بود و بنابراین تئاتر یا پرسه‌شدن تئاتری که از آن منتج می‌شود، تئاتر با پیروهای آلت‌رانیو محسوب خواهد شد.

هنر

زیر آسمان فیروزهای

پولاد کیمیایی در تئاتری به قلم علیرضا نادری



● **گروه هنر:** نمایش «چندوچون به چاه رفتن چوپان» که پیش از این در سیزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در هشت رشته نویسندگی، کارگردانی، بازیگری زن (اول)، بازیگری مرد (سوم)، طراحی صحنه، موسیقی، طراحی لباس و حرکت حائز رتبه شده و تندیس بهترین اثر جشنواره را کسب کرده بود، از ۲۰ دی‌ماه در برج آزادی به صحنه می‌رود.

پولاد کیمیایی، آزاده بهرامی، امیرعباس توفیقی، حامد شیخی و نوشین دانایی به‌عنوان بازیگر در این نمایش ایفای نقش می‌کنند. همچنین غلامحسین شاععلی به‌عنوان مجری طرح و مشاور هنری کارگردان، مریم طریف به‌عنوان تهیه‌کننده، محمد علایی به‌عنوان دستیار کارگردان، نازنین قدس‌مه‌دوی به‌عنوان طراح حرکت، علی یازرلو به‌عنوان طراح صحنه و لباس و شکورا آذرخشی به‌عنوان منشی صحنه با علی یازرلو در مقام طراح و کارگردان همکاری می‌کنند. پولاد کیمیایی امسال بسیاری از اولین‌های خود را تجربه می‌کند؛ اولین تجربه بازیگری‌اش در تئاتر و اولین کارگردانی‌اش در سینما با فیلم «معکوس» به تهیه‌کنندگی مسعود کیمیایی.

حضور یزگان موسیقی در سی‌وچهارمین موسیقی فجر

● **گروه هنر:** تعداد قابل‌توجهی از هنرمندان برجسته موسیقی ایران در سی‌وچهارمین جشنواره موسیقی فجر در مسند نوازنده و رهبر ارکستر روی صحنه خواهند رفت.هنرمندان پیش‌کسوت و معتبر موسیقی کلاسیک و موسیقی کلاسیک ایرانی برای اجرای رپرتواری متنوعی که پیش‌تر کمتر اجرا شده‌اند روی صحنه می‌روند. سیمون آیوزیان، محمد اسماعیلی، حسین بهرورزی‌نیا، سعید ثابت، نصیر حیدریان، شهرداد روحانی، فریدون شهبازیان، مظفر شفیع، فریماه قوام مدری، منوچهر صهبایی، داوود فیاضی، مجید کیانی، ابراهیم لطفی و رافائل میناسکانیان از جمله این هنرمندان هستند که اجراهایشان زینت‌بخش سی‌وچهارمین جشنواره موسیقی فجر خواهد بود. هرکدام از این هنرمندان با پیشینه قابل‌املمی در فضای موسیقی ایران به جشنواره آمده‌اند و اغلب آنها در سال‌های اخیر در این رویداد ملی حضور نداشته‌ند. بخشی از این هنرمندان به‌عنوان سولیست؛ چه در شاخه موسیقی کلاسیک و چه در بخش موسیقی ردیف- دستگاهی در جشنواره برنامه اجرا می‌کنند. شهرداد روحانی، فریدون شهبازیان، نصیر حیدریان و ابراهیم لطفی هم به‌عنوان رهبر ارکستر، هدایتگر ارکستر سمفونیک تهران، ارکستر ملی، ارکستر رتوریک و ارکستر زهی آرکو خواهند بود. سی‌وچهارمین جشنواره موسیقی فجر از تاریخ ۲۴ تا ۳۰ به‌هم‌ماه سال جاری با دبیری دکتر شاهین فرهت در تهران برگزار می‌شود.

برنامه‌های نخستین جشنواره تئاتر اکبرادی

● **گروه هنر:** دبیرخانه نخستین جشنواره تئاتر اکبر رادی جدول کامل برنامه‌های این رخداد را منتشر کرد. شش نمایش در بخش مونولوگ از روز شنبه تا پنجشنبه هفته جاری در سالن‌های استاد سمندریان، استاد انظمای و استاد ناظرزاده مجموعه خانه هنرمندان ایران با ساعت ۱۵ اجرای خود را آغاز می‌کنند. برنامه نمایش‌نامه‌خوانی نیز از روز شنبه تا دوشنبه هفته جاری از ساعت ۱۸ و از روز چهارشنبه تا جمعه، ۲۱ دی در دو نوبت ۱۷ و ۱۹ در تالار مشاهیر ایران مجموعه تئاتر شهر تهران برگزار می‌شود. بر اساس این گزارش، امروز یکشنبه، ۱۶ دی، نیز تالار مشاهیر ایران مجموعه تئاتر شهر تهران از ساعت ۱۰ تا ۱۵ پذیرای سیمینار و مقالات رادی تا جمعه، ۲۰ دی، در تالار کارگاه تئاتر شهر تهران از ساعت ۱۴ دی، به مدت هشت روز، همه‌روزه از ساعت ۱۴ تا ۲۰ تا نگرخانه آریا و نمایشگاه اسناد تصویری ایران برای رادی از روز دوشنبه، ۱۷ دی، تا جمعه، ۲۰ دی، در نگرخانه نقش‌جهان پذیرای علاقه‌مندان است.

در بخش جنبی جشنواره نیز دو برنامه رونمایی از آثار چاپ‌نشده اکبر رادی به همراه کارگاه نمایش‌نامه‌نویسی محمد چرمشیر روز سه‌شنبه، ۱۸ دی و روز پنجشنبه، ۲۰ دی، از ساعت ۱۰ تا ۱۴:۳۰ در کارگاه کارگردانی و بازیگری هادی مرزبان و مهدی کوشکی در تالار مشاهیر ایران مجموعه تئاتر شهر تهران برگزار می‌شوند. آیین پایانی نخستین جشنواره تئاتر اکبر رادی نیز ساعت ۱۹ روز شنبه، ۲۲ دی، در تالار استاد ناظرزاده‌کرمانی مجموعه خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.